

جنین از دیدگاه قرآن و سنت

منا سرگزی

نیره یوسفیان پور

چکیده

انسان و نقش موثر آن در ابعاد مختلف، همواره مورد مطالعه اندیشمندان و ادیان الهی بوده است. یکی از پدیده‌های اجتماعی که هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی تاثیرگذار خواهد بود سقط جنین است. سقط جنین به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در قرن اخیر خصوصا در جوامعی که از نظر اقتصادی و صنعتی پیشرفته‌اند مرسوم شده است. از این‌رو برای همه متدنیان به دین اسلام و از منظر فقه شیعی باید هنجارهای فردی و اجتماعی از جمله معضل سقط جنین را با تکیه بر تعالیم دین مقدس اسلام، درمان کرد. از آنجا که موضوع مورد بحث بسیار گسترده و پردامنه بوده در این تحقیق سعی بر آن گردیده که از تشریح جزئیات خودداری شود و مسئله سقط جنین و مجاز یا غیر مجاز بودن و جنبه‌های مختلف آن از دیدگاه فقه شیعی مورد بررسی قرار گیرد و امکانات روش شناختی مناسبی برای موضوع مزبور فراهم شود. همچنین با بررسی و تحلیل نظرات و دیدگاه‌های فقه‌ای شیعی و اهل سنت و با استناد به آیات و روایات به دنبال پاسخ به این سوال اصلی هستیم که در این مقاله با بررسی و جست و جو به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه: سقط جنین، دیدگاه‌ها، فقه شیعه، اهل سنت، بعد فردی، بعد اجتماعی.

با کشف حقایق جدید در علم جنین‌شناسی، انسان در برابر اعجاز نهفته در قرآن که به مراحل آفرینش جنین اشاره نموده سر فرود آورده، چرا که اینگونه مطالب در حدود چهل آیه و ده‌ها حدیث شریف آمده و در طول پانزده قرن خطوط اصلی در زمینه این علم را ترسیم نموده و هم اکنون آن را علم جنین‌شناسی می‌نامند.

دکتر کیت مور: «هر چه انسان حقایق جدیدتری را کشف کند، در واقع می‌بیند که همان حقایق موجود در قرآن را تکرار کرده است.»

اگر بعضی از دانشمندان اسلامی را که تکوین جنین را از طریق آیات کریمه و احادیث شریفه، شرح دادند استثناء کنیم، بشر تا اواسط قرن هفدهم از این علم اطلاعات ناقص و غلطی داشت. ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد کسی بود که نظرات و کتابهای وی تا قرن هفدهم میلادی در مجامع علمی، مقدس به شمار می‌رفت. وی عقیده داشت که جنین از اتحاد منی با خون حیض تشکیل می‌شود و حال آنکه در قرآن کریم همین بس که اینگونه تذکر می‌دهد: «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ ...»^۱ هر قدر که انسان در مطالعه‌ی آیات کریمه قرآن که به علوم مختلف اشاره نموده، تعمق کند و آن را با حقایق ثابت علمی که به تدریج کشف می‌شود مقایسه نماید، ایمان و یقین وی به خداوند و قرآن و آنچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جانب خداوند آورده می‌شود.

دکتر کیت‌مور استاد تشریح و جنین‌شناسی در دانشگاه اوتاوا کانادا بر این عقیده است که: «هر چه انسان حقایق جدیدتری را کشف کند در واقع می‌بیند که همان حقایق موجود در قرآن را تکرار کرده است.»

معنای لغوی سقط جنین

جنین: در لغت به معنای هر چیز پوشیده است. بچه در شکم مادر نیز جنین گویند از آن جهت که در رحم مستقر و پوشیده شده است.^۱

سقط کردن: سقط کردن یا سقط جنین نیز در معنای لغوی به «بچه انداختن یا بچه افکندن پیش از زمان» یا «ناتمام از شکم افتاده» اطلاق می‌شود. بنابراین خروج بچه را پیش از موعد مقرر و ناقص و ناتمام بودن آن را، سقط جنین گویند.^۲

در زبان عربی از آن با عناوین «إجهاض»، «اسقاط»، «القاء»، «طرح»، «املاص» نام برند و معادل انگلیسی آن (abortion) می‌باشد^۳ و تقریباً معانی مشابه معانی فارسی را اراده می‌کنند، جز آنکه در زبان عربی، به ویژه در اصطلاحات متأخر، به حسب سن جنین متفاوت نام گذاری می‌شود. به این معنا که کلمه «إجهاض» بر «خروج جنین قبل از ماه چهارم» و کلمه «اسقاط» بر «افکندن جنین میان ماه چهارم و هفتم» اطلاق

^۱ (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ذیل ماده «جنین»، ۱۳۴۰، ص. ص ۶۹۲۴)

^۲ (همان، ص. ص ۶۲، ۲۰)

^۳ (اسلامی، سیدحسن، رهیافت‌های اخلاقی به سقط جنین؛ قم، ایران)

می‌شود؛ لذا کلمه إجهاض، بر سقط جنین خود به خودی و کلمه اسقاط بر سقط جنین واسطه شخص دیگر اطلاق می‌شود.^۱

قرآن کریم و مراحل رشد جنین و سقط آن

از آنجا که معتقدیم که قرآن، کتاب هدایت و راهنمایی انسان‌ها به سوی بهترین شیوه زندگی است و به همه نیازهای معرفتی انسانها پاسخ مثبت داده است، بدون شک در مواجهه با مسأله سقط جنین نیز باید فصل الخطاب تلقی شده و موضع آن در مبحث سقط جنین مورد توجه خاص قرار گیرد. با این فرضیه لازم به نظر می‌رسد که مسأله سقط جنین از دیدگاه قرآن مورد مطالعه و نقد و بررسی قرار می‌گیرد.^۲

قرآن و جنین‌شناسی

آیات قرآن در زمینه از نظر تعداد زیاد و از نظر محتوا اعجاب انگیز است. به طوری که با پیشرفت دانش جنین‌شناسی در عصر حاضر و انطباق آن با آیات قرآن، جایگاه علمی آیات مربوطه آشکار می‌گردد و حال به بیان آیاتی در این زمینه می‌پردازیم. خداوند متعال در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مومنون به مسئله آفرینش جنین اشاره کرده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ؛ وَبِهِ يَقِينُ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۳ سپس نطفه را تبدیل به علقه کردیم، آن‌گاه علقه را مضعه گردانیدیم و پس از آن مضعه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را آفرینش دیگری دادیم. پربرکت باد خدایی که بهترین آفرینندگان است.

این آیات، مراحل پنج‌گانه‌ی رشد جنین را چنین مطرح نموده است: «نطفه، علقه، مضعه، عظام، لحم» که به ترتیب: آب و مایع، خون بسته شده، شبیه گوشت جویده شده و شکل‌گیری استخوان‌ها و روئیدن گوشت بر استخوان‌های جنین توصیف شده است. گرچه این مراحل پنجگانه هر یک حائز اهمیت و مملو از شگفتی‌ها است اما مهمترین مرحله، ششم یعنی «ایجاد آفرینش جدید» است که تحسین خداوند متعال را نسبت به این مرحله از آفرینش بدنال دارد «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۖ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (همان) به نظر اکثر مفسران، این مرحله، همان مرحله‌ای است جنین «حیات انسانی» می‌یابد. حال جای سوال مطرح است که آیا سقط جنینی که خداوند تبارک و تعالی در رابطه با مراحل ساخت آن این چنین زیبا سخن گفته و بخاطر آفرینش آن برخورد آفرین گفته است چه حکمی دارد. خداوند متعال در آیه ۲ سوره انسان فرموده است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ما انسان را از نطفه مختلط آفریدیم و او را می‌آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم.^۴ چنانچه که در آیه ۲۳۳ بقره فرموده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ^۵ در این آیه خداوند می‌فرماید: (و مادران (باید) فرزندان خود را دو سال

^۱ (الوسیط، ج ۱، ص. ۳۵۶)

^۲ (قرآن کریم)

^۳ سوره مومنون، آیه ۱۲-۱۴

^۴ سوره انسان، آیه ۲

^۵ سوره بقره، آیه ۲۳۳

تمام شیر دهند (این حکم) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و خوراک و پوشاک آنان (مادران) به طور شایسته بر عهده پدر است هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود و هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری نباید به خاطر فرزندش ضرر ببیند و مانند همین احکام بر عهده وارث نیز هست پس اگر (پدر و مادر) بخواهند با رضایت و ثواب دید یکدیگر کودک را زودتر از شیر باز گیرند گناهی بر آن دو نیست و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید بر شما گناهی نیست به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن بر عهده گرفته اند به طور شایسته بپردازید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. حال باید پرسید خداوند مهربانی که این چنین همه چیز از ریز و درشت را برای یک کودک از مرحله جنینی تا دوران شیرخوارگی منظر قرار داده و تکالیفی را برای پدر و مادر معین کرده در مواجهه با سقط جنین توسط پدر و مادر چه مباحثی را مطرح می‌کند.

قرآن و سقط جنین

آیات متعددی از قرآن کریم را در بحث از حرمت سقط جنین مورد استناد قرار داده‌اند اینگونه آیات را می‌توان به سه دسته‌ی کلی تقسیم کرد:

۱- آیاتی که به طور کلی حرمت قتل نفس را بیان می‌دارد

نظیر آیه ۳۲ سوره مائده «أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...»^۱ و آیه ۱۵ سوره انعام «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...»^۲ آیه ۲۹ سوره نساء «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»^۳ و آیه ۶۸ سوره فرقان «وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ...»^۴

برخی بر مبنای این آیات، سقط جنین را یکی از مصادیق «قتل نفس» دانسته‌اند و اینکه مدلول و ظاهر آیه صراحت دارد به عدم قتل نفس و از عمومات قرآنی است و آنجا که استثناء قائل شده الا بالحق است. حال باید به این سوال پاسخ داده شود که آیا سقط جنین از مصادیق قتل نفس است و یا مواردی که استثناء شده کدام است؟ اصولاً سقط جنین از دیدگاه اسلام شامل دو مرحله می‌شود الف) قبل از چهارماه ب) بعد از چهارماه در هر دو صورت یا به علت بیماری مادر است یا به علت بیماری جنین در این صورت حکم تکلیفی آن چیست و حکم وضعی آنها کدام است و فرض سوم عدم بیماری آنها است.

مفهوم نفس

نفس در لغت به روح_جان، روان، تن، جسم، شخص انسان، حقیقت، هرچیز آنچه که مسلم است نمی‌تواند نفس را در این آیات به روح_جان_روان معنی کرد زیرا در این صورت نطفه به استناد آیه قرآن نمی‌تواند دارای روح انسانی باشد (زیرا علایم زمان و روح انسان را در نطفه از عبارت خلق آخر بعد از زمان چهارماهگی می‌دانند) و اگر نفس را به معنای تن، شخصی بگیریم این ایراد بر آن است که نطفه که هنوز روح انسان بر آن ولوچ نکرده به طور مشخص تن گفته شود چون که تن حتماً باید کسی داشته باشد که اجزاء آن را ترکیب نماید و استعمال تن بدون روح در بین عرف متداول و بعید از ذهن می‌باشد مگر آنکه بگوئیم آن

^۱سوره مائده، آیه ۳۲

^۲سوره انعام، آیه ۱۵

^۳سوره نساء، آیه ۲۹

^۴سوره فرقان، آیه ۳۸

تن روح حیوانی یا نباتی دارد که این هم خالی از اشکال و شبهه نیست؛ و اگر نفس را به جسم معنا کنیم و در تعریف جسم بگوئیم هر چیزی که دارای جسم_ذهن_اندازه باشد در این صورت هم تعریفی بعید از آن ارائه کرده‌ایم مگر آنکه آن جسد یا به عبارت صحیح‌تر ماده اولیه جسد بدانیم که در این صورت است که ما می‌توانیم سقط جنین را از مصادیق قتل نفس بدانیم و آن را متعلق نهی قرار دهیم.

اما «الا بالحق» یعنی کشتن کسی که به حکم حق مستحق قتل شود یکی از موارد زیر است :

۱. در اجرای حکم زنا یا محسنه یا زنا یا به عنف و یا زنا محارم

۲. مرتد فطری

۳. قصاص کسی که یک مسلمان را عمدا کشته است

۴. کسی که سه مرتبه بر او حد جاری شده که با ارتکاب همان جرم همان جرم در مرتبه چهارم مجازاتش قتل است.

۵. محاربین و مفسدین فی الارض

۲. آیاتی که کشتن اولاد را حرام اعلام می‌کند نظیر

« قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ... »^۱

و همچنین آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ ۖ نَحْنُ نَرِزُقُهُمْ»^۲

راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ قرآن بر این باور است که در این آیات از کشتن اولاد نهی شده است و اولاد، اعم از دختر و پسر است که گاهی قبل و گاهی بعد از ولادت، کشته می‌شود.^۳

در مجله‌ی البحوث الاسلامیه نیز آمده است «فرزندکشی مشرکان، گناهان متعددی را به دنبال داشت: یکی از این گناهان، قتل نفس و کشتن نفوس بی‌گناه بود. گناه دیگر، گناه سوءظن به خداوند است به گمان اینکه توان روزی دادن به فرزندان آن‌ها را ندارد. سوم به مصداق آیه کریمه: وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» دخالت بی‌مورد انسان در اموری بود که مربوط به شئون الهی بوده و انسانها حق دخالت در آن را ندارند، نظیر مسئله رزق و روزی خلایق که اختیار آن به دست خداوند است بنابراین کسانی که به وسیله سقط جنین، در مقام محدود ساختن نسل برآمده‌اند، مرتکب همه این گناهان شده‌اند. حتی برخی برآنند که اگر کسی به وسیله پیشگیری از بارداری و بدون سقط جنین بدین کار اقدام کند گناه سوءظن به خداوند و دخالت در اموری را که مربوط به خداست مرتکب شده است و این همه دشمنی آشکار با خداوند و گمراهی است. آیا این گونه آیات را می‌توان در بحث سقط جنین استناد قرار داد؟^۴

^۱سوره انعام، آیه ۱۵۱

^۲سوره اسراء، آیه ۳۱

^۳(اصفهانی، ص. ۸۸۳)

^۴موسوعة الامام الخميني، ج ۲۳، تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۵۴۴، كتاب القصاص، القول في الموجب، مسالة ۳، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۳۹۹ ه ش.

تهدید کند و سقط جنین به منظور رهایی از تعدد فرزندان و یا مشکلات اقتصادی عذر شرعی محسوب نمی‌شود.^۱

۱-۲- سقط جنین در مواردی که جان مادر یا سلامت او در خطر باشد از دیدگاه اهل سنت

با توجه به آرا و مبانی اهل سنت هنگامی که جان مادر یا سلامت وی در معرض خطر باشد به منظور درمان یا نیاز زن که نوعی عذر شرعی محسوب می‌شود، سقط پیش از چهار ماه جایز است اگرچه عده‌ای از آنان به طور مطلق سقط پیش از چهار ماه را جایز می‌دانند.^۲

پس از دمیدن روح در جنین عده‌ای قایل به عدم جواز آن شده‌اند هرچند بارداری منجر به مرگ مادر گردد با این دلیل که جنین پس از ولوج روح، نفس محترمه‌ای است و حفظ آن واجب است، دلیل دیگر این است که خطری که پزشک پیش‌بینی می‌کند نوعی پیش‌بینی و هشدار است و خطر واقعی نیست، بلکه ترس و متوقع است. و نیز قایل شده‌اند که اگر خطر به سرحد فعل برسد نه ترس متوقع امر دایر بین دو محذور یعنی حفظ جان مادر و حفظ جان فرزند است که از قاعده‌ی تعارض متعادلین تبعیت می‌کند و هر دو از یک درجه اهمیت برخوردارند که اگر مرجحی پیدا نشد، مخیر بین حفظ جان مادر و یا جنین است. عده‌ای از صاحب نظران جان مادر را بر جان فرزندی که از لحظه تولد مادر خود را از دست می‌دهد ترجیح داده‌اند. در مقابل عده‌ای قایلند به سقط جنین پس از ولوج روح به هنگامی که سلامت مادر یا جان وی در خطر باشد در صورتی که دو نفر پزشک متخصص حاذق و عادل با اطمینان اعلام کنند که بقای جنین حیات مادر را تهدید یا سلامت وی را به خطر می‌اندازد و خطر جز سقط جنین رفع نمی‌شود. به خاطر قواعد عمومی شریعت اسلامی که به ارتکاب اخف ضررین و اھون الشرین امر می‌کنند. سقط جنین در چنین حالتی متعین است؛ اولاً مادر اصل و حیات مستقر و بهره‌مند مستقل از حیات دارد. ثانیاً برای او و علیه او حقوقی است. ثالثاً وی پایه خانواده است بنابراین معقول نیست برای نجات جان جنینی که حیات مستقل ندارد و حقوق و واجباتی به این صورت برایش حاصل نشده است، جان مادر را فدا کرد.^۳

۱-۳- سقط جنین در ناهنجاری‌های جنینی در دیدگاه اهل سنت

در بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جنینی، دیدگاه‌های فقهی اهل سنت مختلف است؛ در نظر گروهی از این فقها که سقط جنین را پیش از چهار ماه به طور مطلق جایز می‌دانند در اینجا به طریق اولی جایز می‌دانند. اما کسانی که پیش از چهار ماه را در صورت عذر جایز می‌دانند، می‌گویند سقط پیش از چهارماه جایز است در صورتی که دو تن از پزشکان متخصص تایید کنند که این بیماری‌ها از

^۱ (عبدالحلیم، عویس، ص. ۵۳۱)

^۲ (غانم، ص. ۱۵۷)

^۳ (شلتوت، ص. ۲۹۰)

جمله بیماری‌هایی است که بدون علاج و موجب انتقال به دیگران است و عیوبی مثل کوری، نقض عضو، کری و اموری از این قبلی را که امکان زندگی هرچند با تحمل این گونه نقایض وجود دارد، نمی‌تواند مجوزی برای سقط جنین گردد.

در مورد بیماری‌های ایدز طبق نظر این گروه شرایط سقط جنین تحقق نمی‌یابد زیرا اولاً بر اثر پیشرفت علم پزشکی احتمال بهبود داده می‌شود و ثانیاً انتقال بیماری به دیگری صد در صد نیست بنابراین به صرف احتمال نمی‌توان اقدام به سقط جنین حتی بیش از چهار ماه کرد. اما در مورد سقط جنین بعد از ولوج روح، طبق نظر همه‌ی فقهای اهل سنت به هیچ وجه جایز نیست هرچند جنین نلقص الخلقه باشد یا به بیماری کشنده‌ای دچار باشد. مگر با تشخیص پزشکان موثق و متخصص ادامه‌ی بارداری برای جان مادر خطر داشته باشد که در این صورت به دلیل رفع ضرر بزرگتر جایز است.^۱

۲- سقط جنین در نگاه فقه شیعه

۱-۲ سقط جنین پیش از دمیده شدن روح و بعد از آن در فقه شیعه

نظر کلی فقه شیعه با استناد به کتاب سنت، اجماع و عقل حرمت سقط جنین در تمام مراحل تطور و تحول جنین می‌باشد. زیرا صاحب نظران شیعه معتقدند که تکون انسان از زمان استقرار نطفه در رحم آغاز می‌شود و میان مرحله‌ی نطفه با مراحل بعدی به لحاظ حکم تکلیفی یعنی حرمت سقط جنین تمایزی نیست هرچند به لحاظ حکم وضعی و مقادیر دیه تفاوت وجود دارد. بیشتر فقهای شیعی بحث سقط جنین را در باب دیات و لواحق آن مطرح کرده و مقدار دیه حمل را در مراحل مختلف سقط و عنوان قاتل به کسی که اقدام به جنین امری می‌کند و محرومیت وی از دیه حمل را عنوان کرده‌اند. و معتقدند بعد از دمیده شدن روح، جنین انسان همانند سایر انسان‌هاست و قتل انسان به دلایل متعدد حرام است، زیرا خداوند می‌فرماید «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» که دلالت دارد به حرمت سقط جنین، عقل نیز سقط جنین را ظلم می‌داند. زیرا سقط جنین، تعدی به کسی است که قادر به دفاع از خود نیست. اما قبل از دمیده شدن روح به این دلیل که جنین دارای حیات نباتی است و انسان بالفعل نیست سقط آن، قتل نفس محسوب نمی‌شود اما به دلیل آیات و روایات حرام است.^۲

مهمترین ادله‌ای که فقهای بزرگ شیعه بر حرمت سقط جنین به آن استناد کرده‌اند روایات است که نمونه‌ای از آن را می‌آوریم: «عن ابی عبدالله (علیه السلام) فی امرأه شربت دواء و هی حاصل لتطرح

^۱ (غانم، ص. ۱۸۳-۱۸۶)

^۲ (شیرازی ن.، ص. ۲۸۶)

ولدها فالقت ولدها قال: ان كان له عظم قد نبت عليه اللحم و رشق له السمع و البصر فان عليها ديه تسلمها إلى ابیه.

قال: و إن كان جنینا علقه أو مضغه فان علیها اربعین دینارا أو غره تسلمها الی ابیه، قلت: فهی لا ترث من ولدها من دیته، قال: لا لانها قتلتها»^۱

در این روایت به کار بردن واژه قتل برای عمل آن زن و نیز جعل دیه و این که از دیه ارث نمی‌برد دلالت بر حرمت عمل او دارد. همچنین دلالت دارد بر این که سقط جنین چه پس از ولوج روح و چه قبل از آن در حالت عادی حرام است. عده‌ای از فقها بیان داشته‌اند که قرار دادن دیه بر اسقاط جنین در تمام مراحل آن در روایات دلالت بر حرمت سقط جنین دارد. زیرا اصل در وجوب دیه این است، که به سبب جنایت باشد و جنایت عمدی قطعاً حرام است، پس سقط جنین در هریک از مراحل رشد، حرام خواهد بود.^۲

۲_۲ سقط جنین به منظور پنهان کردن اعمال خلاف در فقه شیعه

فقه‌های امامیه به اتفاق سقط جنین حاصل از زنا را در تمام مراحل از زمان انعقاد نطفه تا زمان وضع حمل حرام می‌دانند. در واقع به دلیل اطلاق ادله‌ی حرمت سقط جنین، فرقی بین جنین حاصل از راه مشروع و نامشروع نیست و سقط آن در هر دو صورت حرام است امام (رحمه الله علیه) می‌فرماید: «اگر زنی از زنا آبتن شود، جایز نیست بچه اش را سقط کند.»^۳

اما با وجود این که به نظر برخی از ایشان در بارداری‌های نامشروع حاصل از تجاوز به عنف به دلیل حرج شدیدی که بر این حمل مترتب می‌شود؛ سقط جنین پیش از ولوج روح جایز است؛ زیرا کسانی که به این شکل باردار می‌شوند در وضعیت شدید بحرانی و ناراحتی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. اما گاهی شدت این بحران به حدی می‌رسد که شخص دست به خودکشی می‌زند که در این حالت حتی سقط جنین بعد از ولوج روح نیز جایز است.^۴

آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد جنین حاصل از زنا به عنف می‌فرماید: «سقط جنین جایز نیست، مگر این که نگهداری آن جنین منجر به بیماری شدید مادر و کسالت روانی او می‌گردد، که در این صورت می‌توان به حاملگی او پایان داد؛ مشروط به این که جنین در ماه‌های اولیه باشد».

۳_۲ سقط جنین به انگیزه‌ی کنترل جمعیت در فقه شیعه

بر اساس نظر کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصادی، ازدیاد جمعیت سبب بروز مشکلات زیادی شده، بنابراین کنترل آن از مسائل ضروری زندگی بشر است که این موضوع نمی‌تواند مجوز سقط جنین باشد.

^۱ (طوسی م. ب.، ص. ۳۰۹)

^۲ (محمدحادی، طلعتی، ص. ۲۹۴)

^۳ (خمینی، ص. ۳۶۶)

^۴ (۲ م. ح.، ص. ۴۳۸)

بنابراین سقط جنین به انگیزه جلوگیری از رشد جمعیت از نظر فتوای فقهای شیعی به هیچ وجه جایز نیست. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «سقط جنین به مجرد وجود مشکلات اقتصادی جایز نمی‌شود».^۱ چون در صورت دمیده شدن روح قتل نفس و قبل از دمیده شدن روح نیز حرام است. زیرا هیچ ضرورت و حرجی برای این کار وجود ندارد.^۲

^۱ (الاستعائنات، ص. ۲۷۸)

^۲ (شیرازی ن.، بحوث فقیهه مهمه، ص. ۲۹۶)

نتیجه گیری

در گستره‌ی تمدن اسلامی، این اعتقاد عمومیت دارد که قرآن کریم و دین اسلام، با جامعیت ویژه‌ای که دارد، آخرین و برترین شیوه‌ها را برای عبور از معضلات اجتماعی و غیره فراوری بشریت قرار می‌دهد. بنابراین برای همه متدینان به دین اسلام، واضح است که باید ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی؛ از جمله معضل سقط جنین را با تکیه بر تعالیم دین مقدس اسلام درمان کرد، قرآن کریم با «تکریم شخصیت انسان» از آغازین روزهای آفرینش و شکل‌گیری جنین، تا هنگام تولد و پس از آن تا هنگام مرگ انسان، نظام حقوقی جامعی را در پیش روی انسان‌ها می‌گستراند؛ که حمایت از جنین و لزوم رعایت حرمت و کرامت انسانی او، از جمله آن است. از منظر قرآن همه انسان‌ها و از جمله جنین در اصول «کرامت انسانی» و «حق حیات» با شرایط و ضوابطی یکسانند. کرامت انسانی و حق حیات، منشأ همه حقوق دیگر انسان‌ها است. فقه شیعی، بهانه‌های واهی و استدلال‌هایی که ناشی از عدم ایمان به تقدیر الهی و تقسیم رزق و روزی است را در انجام عمل رد می‌کند و در عوض برای مواردی اضطرار و لزوم، راهکارهای عقلانی و موجه ارائه می‌دهد و از سوی دیگر به منظور جلوگیری و گسترش این عمل در جامعه اسلامی، احکام تنبیه‌ای و پیشگیرانه همچون وضع دیه را مقرر می‌دارد. همچنین به طور کلی از منظر فقهای شیعی، آزادی سقط جنین را فقط در مورد جنین‌های ناسالم و ناقص الخلقه و در موارد بسیار ضروری درمانی مجاز می‌شمارند. بنابراین با توجه به عوارض و پیامدهای ناگوار سقط جنین، برای فرد و خانواده و جامعه، باید افراد جامعه را از جهت آگاهی، واکسینه کنیم. لازم است مکان‌های ناامنی که عمل سقط جنین غیر قانونی را انجام می‌دهند شناسایی کرده و به مکان‌های امنی تبدیل کنیم. کشور ما یک هویت اسلامی-ایرانی دارد که هر دو نیز به سلامت تاکید دارند و ما هم به این سمت حرکت کنیم.